

ایران در ۱۳۲۸ قمری از نگاه تصویر

موسی فقیه‌حقانی

سال ۱۳۲۸ قمری سالی پر آشوب در تاریخ مشروطیت ایران محسوب می‌شود، ترور سید عبدالله بهبهانی و چندین ترور دیگر، واقعه پارک اتابک، درگیری انجمن‌ها، نزاع اعتدالیون و انقلابیون و... از جمله وقایعی است که در این سال رخ داد. فضای متشنج ایران پس از مشروطیت منجر به بی‌ثباتی سیاسی و دخالت بیگانگان گردید. در این شرایط هیچ‌کس امنیت نداشت و پذیرش مسئولیت امری خطیر بود. مخاطرات ناشی از شرایط نامساعد آن دوره حتی فردی نظیر ابوالقاسم‌خان ناصرالملک را که از حمایت انگلستان، لژ فراماسونری بیداری، طایفه قراقرلو و پاره‌ای از رهبران مشروطه برخوردار بود را نیز به تأمل واداشته و از پذیرش مسئولیت گریزان می‌ساخت. وی با وجود اینکه به رئیس‌الوزاری نیز رسید از آمدن به ایران خودداری می‌کرد. نگاهی به جایگاه طایفه قراقرلو و موقعیت خانواده انگلیسی‌مآب ناصرالملک و ترس او از بازگشت به ایران تحت کنترل مشروطه‌خواهان حکایت روشنی است از هرج و مرج حاکم بر آن دوران. لازم به ذکر است که ناصرالملک وابسته به طایفه قراقرلو بود که در زمره طوایف بانفوذ در تحولات تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آیند. نقش این طایفه همدانی در براندازی خاندان زند و صعود آقامحمدخان به سلطنت ایران و همراهی آنها با فتحعلی‌شاه قاجار در لشکرکشی به مناطق مختلف آنان را صاحب جایگاه و منزلت مهمی در نزد قاجاریان گردانید. در میان این طایفه فرزندان نبی‌خان که خود در نبرد هرات (۱۲۵۳ق) کشته شد^۱ موقعیت ویژه‌ای یافت. محمودخان رفته رفته در دربار قاجار صاحب موقعیت شد. در ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه توسط امیرکبیر منصب نیابت آجودانباشی یافت.^۲ نیابت اول سفارت ایران در سن‌پترزبورگ و پست کارداری ایران در همانجا، دریافت لقب

۱. روضةالصفادج، ۹، ص ۴۲۸.

۲. میرزا مهدی خان (مستحق‌الدوله) میرزا هاشم خان شقاقی، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۵، ص ۶۰.

جناب (۱۲۷۰ق)، دریافت منصب میربنجی (۱۲۷۲ق)، دریافت لقب «ناصرالملک» (۱۲۷۵ق)، ریاست قوای پایتخت و اداره قورخانه و جبه‌خانه (۱۲۷۵ق)، وزارت تجارت و صنایع (۱۲۷۷ق)، مأموریت ساخت و ترمیم راه گیلان (۱۲۷۷ق)، وزیر مختاری ایران در انگلیس (۱۲۷۹ق)، عضویت در دارالشورای کبری (۱۲۸۸ق)، معاونت کابینه میرزا حسین خان سپهسالار و تصدی وزارت جنگ (۱۲۸۹)، حکومت گیلان (۱۲۹۲ق)، عضویت در مجلس تحقیق (۱۲۹۳ق) التزام رکاب ناصرالدین شاه در سفر دوم به فرنگستان (۱۲۹۵ق) حکومت کرمانشاهان و کردستان (۱۲۹۹ق)، تصدی وزارت امور خارجه (۱۳۰۱ق)، اخذ لقب فرمانفرمایی و حکومت خراسان و سیستان (۱۳۰۳ق) فهرستی از مشاغل او تا زمان مرگش (۸ ربیع‌الثانی ۱۳۰۸ق) بود. رابطه گرم و صمیمی وی با ظل‌السلطان، میرزا ملکم‌خان و تمایلش به سیاست انگلستان دو ویژگی بارز حیات سیاسی - اجتماعی وی می‌باشد. با مرگ وی لقب ناصرالملکی به نوه او ابوالقاسم خان تعلق گرفت که در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ همراه پدربزرگ به انگلیس رفت و برای تحصیل در همانجا رحل اقامت افکند. ابوالقاسم قراکزلو (ناصرالملک) در ۱۲۸۲ قمری در تهران متولد و در جوانی به واسطه نفوذ پدربزرگ به منصب نیابت آجودان‌باشی دست یافت. تأثیر فراوان محمودخان بر نوه‌اش ابوالقاسم خان باعث شکل‌گیری شخصیت او مطابق خواسته پدربزرگ شد. ابوالقاسم خان با کمک میرزا ملکم‌خان توانست در دانشگاه آکسفورد ثبت‌نام نماید، ملکم همان‌طور که به محمودخان وعده داده بود کمک زیادی به ابوالقاسم خان کرد. ملکم قول داده بود اگر هزینه تحصیل ابوالقاسم فراهم شود وی نیز او را به صورت «آدم صاحب علوم» تحویل خواهد داد.^۱ ابوالقاسم‌خان به توصیه و تشویق ملکم پس از فراگیری زبان انگلیسی به تحصیل در رشته اقتصاد سیاسی مشغول می‌شود. حضور در لندن و تأثیر آموزه‌های ملکم‌خان، ابوالقاسم‌خان را یکسره شیفته فرنگ و بیزار از ایران نمود و طی نامه‌ای به پدربزرگ خود اعلام داشت: «ابدأ عشق به مراجعت به ایران ندارم...»^۲ اصرار ناصرالدین‌شاه و صدور حکم سرهنگی فوج مخبران که قبلاً در اختیار احمدخان سرهنگ پدر ابوالقاسم بود نیز در متقاعد کردن او به بازگشت به ایران مؤثر نگردید. همدوره‌های او در دانشگاه آکسفورد افرادی نظیر لرد کرزن، سر ادوارد گری، سر سیسیل اسپرینگ رایس بودند که بعدها نقش عمده‌ای در دولت انگلستان پیدا کردند، نقشی که به واسطه سیاست‌های استعماری انگلستان ایران را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌داد. عضویت ناصرالملک در لژ

۱. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. سند ۱۵۸۷۲-۱۵۸۷۰ق و ۱۶۶۴۰ق.

۲. همان، اسناد ۲۹۹۹۱-۲۹۹۸۹ق.

فراماسونری آپولوی آکسفرد^۱ ارزش این همشاگردی ایرانی را برای حکومتگران انگلیسی دوچندان کرد. بنا بود ابوالقاسم خان در مراجعت به ایران سمت استاد اعظمی فراماسونری ایران را بر عهده بگیرد که البته بنا بر اظهارات سر آرتور هاردینگ ملاحظه‌کاری او مانع از تحقق این امر شد؟ «مرد آکسفردی»^۲ میرزا ملکم خان بالاخره در ۱۳۰۱ قمری و در پی اصرار پدر بزرگ راضی به مراجعت به ایران می‌شود و در بدو ورود در وزارت خارجه که تصدی آن بر عهده پدر بزرگش بود مشغول به کار می‌شود، علاوه بر آن در دربار نیز به حرفه مترجمی شاه برگزیده می‌شود و اندکی بعد مشیر حضور لقب می‌گیرد. نوشتن قانون برای وزارتخانه‌ها، ریاست قشون خراسان در دوران زمامداری محمودخان بر خراسان و سیستان، اخذ منصب آجودانی از شاه (۱۳۰۴ق)، اخذ لقب جناب و ناصرالملک (۱۳۰۵ق)، ریاست قورخانه (۱۳۱۴ق)، تصدی وزارت مالیه (۱۳۱۵ق)، حکومت کردستان (۱۳۱۸ق)، وزارت مالیه (۱۳۲۶ق)، وزارت مالیه (۱۳۲۵ و ۱۳۲۴ق)، ریاست وزرای (۱۳۲۵ق)، مشاغل مهم ناصرالملک دوم تا ۱۰ ذی‌عده ۱۳۲۵ است. عزل خشونت‌بار او از ریاست وزرای توسط محمدعلی شاه و دخالت انگلستان در حمایت از او موجب خروج او از ایران و اقامت در اروپا گردید. با تهدید روس و انگلیس محمدعلی شاه مجبور شد در ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ مجدداً حکم رئیس‌الوزرای ناصرالملک را صادر نماید. عدم مراجعت ناصرالملک به بهانه بیماری فرزندش [محسن] اصل حکم و رئیس‌الوزرای ناصرالملک را در آن شرایط منتفی ساخت. با فتح تهران در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷، این بار مشروطه‌خواهان حکم رئیس‌الوزرای و وزارت امور خارجه مرد آکسفردی را صادر کرده و مصرانه از او خواستند برای اداره دولت به ایران بازگردد. دوستان انگلیسی نیز بر بازگشت سریع او به کشور اصرار می‌ورزیدند اما ظاهراً مداوای فرزند همچنان مانع از بازگشت سریع او به ایران بود!^۳ مشروطه‌خواهان مایوس از بازگشت ناصرالملک مجبور به گماردن سپهدار تنکابنی بر مسند رئیس‌الوزرای شدند. در اواسط شوال ۱۳۲۷ ناصرالملک به همراه فرزندش محسن وارد ایران شد اما از قبول هر گونه سمت رسمی خودداری ورزید و به شرکت در جلسات مشاوره اکتفا نمود. حضور ناصرالملک در ایران در شرایط بحرانی پس از فتح تهران و اختلافات گسترده اعتدالیون و انقلابیون بیشتر از ۹ ماه نپایید. پشتیبانی ناصرالملک از اعتدالیون، سقوط دولت اعتدالی سپهدار تنکابنی، روی کار آمدن مستوفی‌الممالک با حمایت انقلابیون!! و نهایتاً تهدیدنامه مورخ ۲۱ رجب ۱۳۲۸

۱. همان، سند شماره ۶۸-۱۲۹۲۶۶ق.

۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، اسناد ۱۶-۴۱۵ق.

۳. همان سند، ۱۷۹۱۹ق.

«کمیسون ترور، فرقه انقلابیون ایران» باعث شد مرد پشت‌پرده به بهانه معالجه خود و فرزندش به سرعت در همان ماه ایران را ترک نماید. در خلال توقف نه ماهه ناصرالملک در ایران، فرزند او یعنی محسن خان نیز در ایران حضور داشت و توانست به وسیله دوربینی که پدرش برای او تهیه کرده بود تصاویری از اماکن آن روز تهران و چوکام بندرانزلی تهیه نماید. عکاس که متولد ۱۳۱۱ قمری بوده و در ایام عکسبرداری از این اماکن تقریباً هفده سال عمر کرده بود در خصوص تهیه دوربین خطاب به برادر خود می‌نویسد:

از همه چیزها بهتر یادم رفت «کدک» جهت عکاسی از این بی‌اندازه بی‌اندازه ممنونم ولی افسوس که خوب نمی‌دانم یک آدم هم سراغ^{*} ندارم که خوب بداند. حالا کم‌کم پیش سکوس می‌خوانم، شاید کمی یاد بگیرم عکس‌های خوب می‌اندازم برای شما می‌فرستم چون باباجان شرط کرده که عکس زن‌ها را نیندازم بنده هم نمی‌اندازم اگر انشاءالله تابستان شمیران رفتم عکس‌های خوب می‌فرستم.^۱

در هر صورت عکاس‌یاشی جوان در این سفر موفق می‌شود از جاده رشت، عمارت قرآگزلوها در چوکام، پارک اتابک در تهران، باغ بهاءالملک، باغ شاه، مجسمه ناصرالدین‌شاه، برج طغرل، مراسم ورود ستارخان و باقرخان به تهران و... تصویر تهیه نماید. تصاویر این آلبوم هرچند بیانگر تمامی واقعیات آن روز ایران نیست اما نشان می‌دهد که از تمامی اقتدار سلسله قاجار، فقط تندیس شاهنشاه صاحبقران در باغشاه تهران به جا مانده و قصور خالی از جنب و جوش. از سوی دیگر آماده شدن مردم برای استقبال از ستارخان و باقرخان بیانگر تغییر فضای سیاسی ایران است. فضایی که اختلافات جدی مشروطه‌خواهان فاتح تهران هنوز به مرحله بحرانی و حاد خود نرسیده است. اندکی بعد همان‌طور که در تواریخ ذکر شده است سید عبدالله بهبهانی در تهران توسط عناصر افراطی و آشوب‌طلب ترور و به شهادت می‌رسد، محیط آرام پارک اتابک به صحنه جنگ و درگیری نیروهای پلیس و بختیاری با ستارخان و نیروهای وی تبدیل می‌شود و....

عکاس این عکسها سالها بعد به ایران مراجعت می‌نماید. تحصیل در آکسفرد از او شخصیت آنگلو فیل بی‌مایه‌ای ساخته بود که بیشتر سعی داشت با نزدیکی به کانونهای قدرت موقعیتی برای خود دست و پا نماید. اشاره تقی‌زاده به تمایل محسن قرآگزلو و برادرش حسینعلی به تغییر نام فامیل خود به تیمورتاش در زمان قدرتمداری عبدالحسین

* در متن سراق

تیمورتاش وزیر قدرتمند دربار پهلوی که پدر همسر حسینعلی قراگزلو بود و تلاش مجدد آنها برای ممانعت از تغییر نام فامیل خود البته پس از افول ستاره بخت و اقبال وزیر دربار،^۱ حاکی از خوی ناپسند نزدیکی به ارباب قدرت می‌باشد که در آنها رسوخ داشت. محسن قراگزلو غیر از نمایندگی دوره هفتم، هشتم و نهم از همدان مدتی رئیس تشریفات دربار پهلوی بود و در جریان ازدواج و طلاق فوزیه و محمدرضا پهلوی خود و همسر عرب‌تبارش نقش آفرینی نمودند. دکتر قاسم غنی که آشنایی خوبی با این خانواده دارد درباره آنها می‌گوید: «اینها هرچه دارند از پرتو انگلیسیها می‌دانند... یک نوع عقیده متعصبانه نسبت به انگلیسیها دارند.»^۲

وی در خصوص ناصرالملک نیز می‌نویسد: «این مرد از ایرانیها نفرت داشت. بچه‌هایش را همه انگلیسی‌مآب تربیت کرده به طوری که از انگلیسیها، انگلیسی‌ترند.»^۳ در این شماره عکسهایی را که محسن قراگزلو در سال ۱۳۲۸ قمری از اماکن مختلف تهران تهیه نموده است را به نظاره می‌نشینیم.



۱. حسن تقی‌زاده. زندگی طوفانی. به کوشش ایرج افشار. تهران، علمی، ۱۳۶۸. ص ۲۲۲.
۲. یادداشت‌های دکتر قاسم غنی. به کوشش سیروس غنی. تهران، زوار، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۸۶.
۳. همان، ص ۸۹.

کتاب آلبوم جهت عسکهای که خودم در ایران یا خارجه برداشتم در روز پنجشنبه
 بیست و هفتم آوریل ۱۹۱۱ میلادی در پاریس از مغازه پرسان خریدم. محسن
 Alhama achate à Paris 27 avril 1911
 effendi

کتاب آلبوم جهت عسکهای که خودم در ایران یا خارجه برداشتم در روز پنجشنبه
 بیست و هفتم آوریل ۱۹۱۱ میلادی در پاریس از مغازه پرسان خریدم. محسن



محسن خان قراقرلو



ابوالقاسم خان ناصرالملک



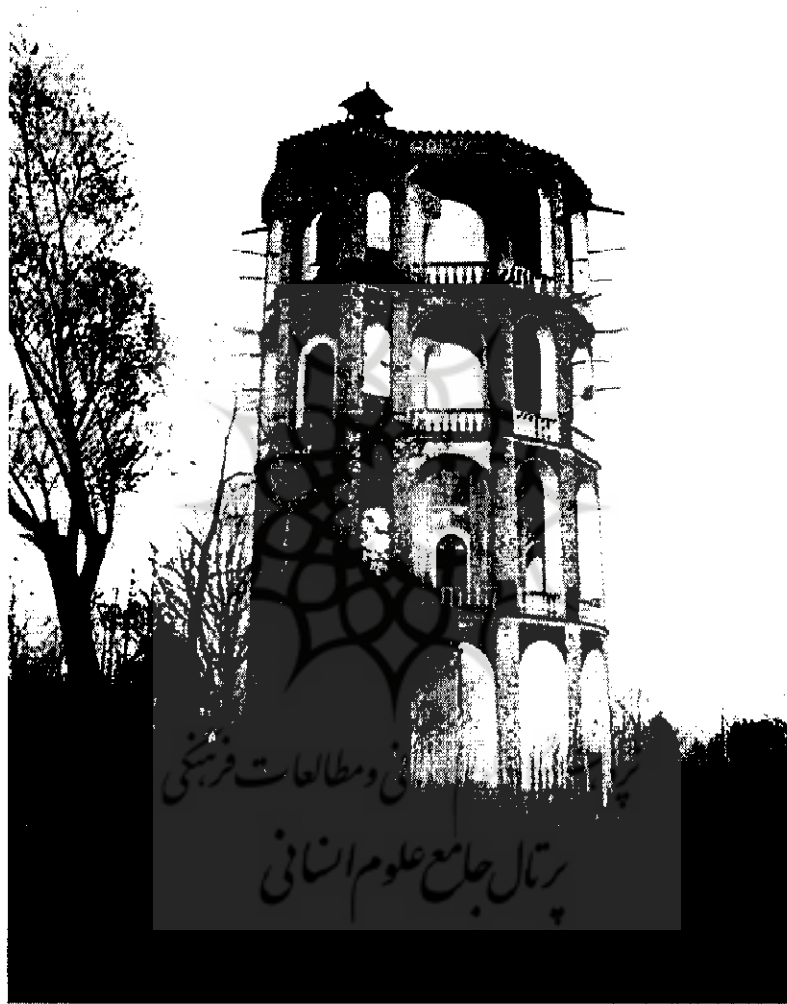
مجسمه ناصر الدین شاه | ۱۳۰۹۵۲



مجسمه ناصر الدین شاه | ۱۳۰۹۴۵



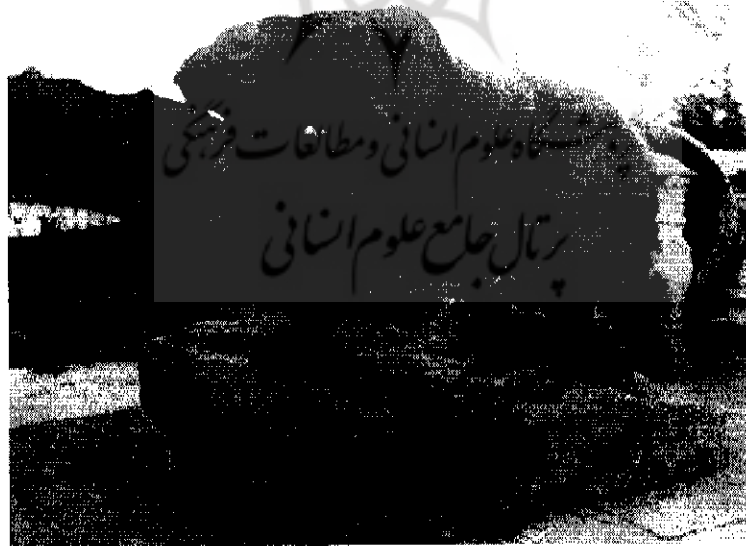
مجسمه ناصرالدین‌شاه در باغ شاه در تهران | ۱۳۲۸ | ۲۹۵۹-۳



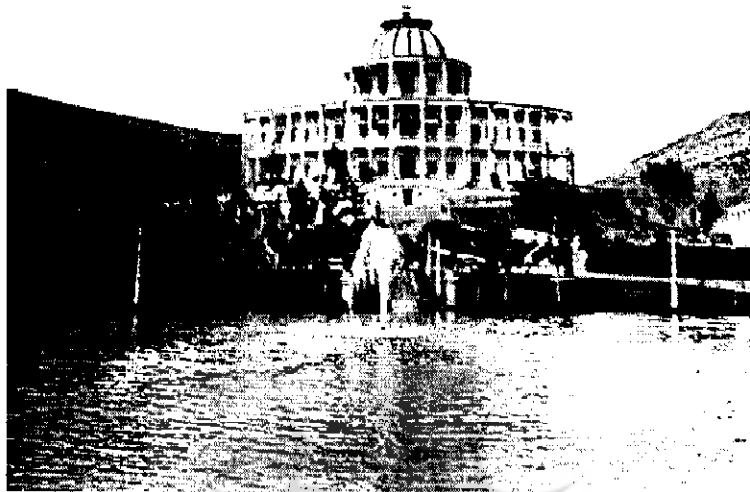
نمای عمارت‌های باغ‌شاه در تهران | ۱۳۲۸ | ۲۹۶۴-۳



عمارت دوشان‌تپه که در ماه جمادی‌الثانی سنه ۱۳۲۸ در تهران برداشته شد. | ۲۹۶۶-۳



مجسمه پلنگ در فرح‌آباد جلوی عمارت است. | ۲۹۶۸-۳



عکس عمارت فرح آباد در اطراف تهران که در ماه جمادی الاول سنه ۱۳۲۸ خود برداشتمم. | ۲۹۲۴-۳



در تهران عکس آقایان رضاخان، حسینعلی خان و تقی خان در جلوی حوضی در پارک اناپک. | ۲۹۵۴-۳



عمارت باغ جناب بهاءالملک | ۱۳-۲۹۵۶



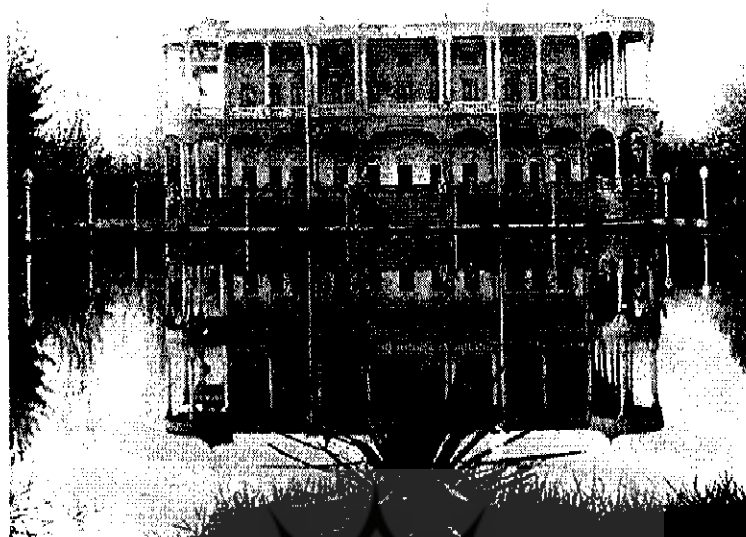
باغ فردوس در شمیران سعیدآباد | ۱۳-۲۹۵۰



پارک اتابک | ۲۹۴۷-۳



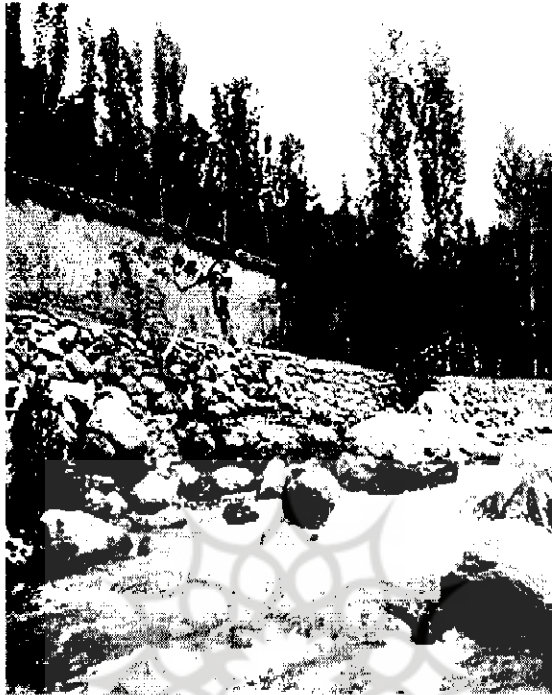
یکی از استخرهای باغ اتابک، با درختهای کاج | ۲۹۵۷-۳



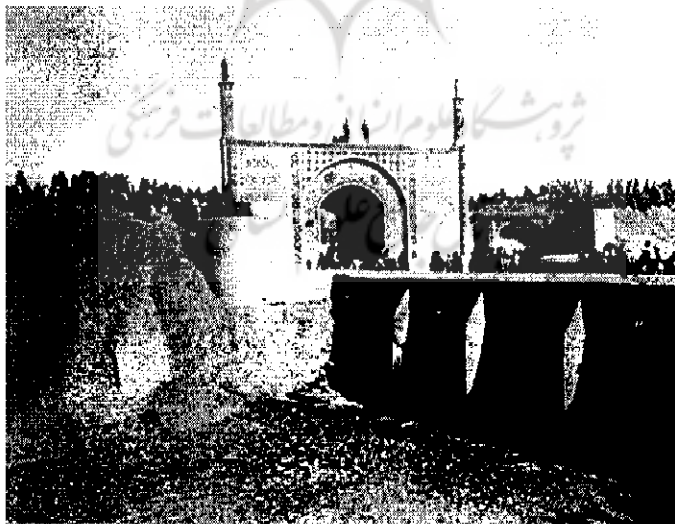
عمارت پارک اتابک در تهران | ۱۳۰۵-۳



یکی از خیابانهای عشرت آباد از عمارات سلطنتی ۱۳۲۸ تهران | ۱۳۰۶-۳



رودخانه جعفرآباد در شمیران نزدیک تهران | ۲۹۶۳-۱۳



دروازه دولت در روز ورود ستارخان در ۱۳۲۸ | ۲۹۵۱-۱۳



سواران مجاهدین در تهران روز ورود ستارخان
جمعه ربیع الثانی ۱۳۲۸ / ۱۵ آپریل ۱۹۱۰ | ۲۹۶۲-۱۳



برج اطغرل | در نزدیکی حضرت عبدالعظیم در اطراف تهران ۱۳۲۸ | ۲۹۵۸-۳



| ۳-۲۹۶۶ |



عمارت مادر چوکام رشت ۱۳۲۸ | ۳-۲۹۶۷



اتومبیلی که با او در سفر به تهران ۱۳۲۸ در راه رشت مسافرت می‌کردیم | ۲۹۶۰-۳



سفارت انگلستان در تهران | ۲۹۶۹-۳